

# ناش

فصلنامه علمی

موارد ثبوت دعوا با شهادت بانوان، در فقه اهلبیت (ع) و حقوق ایران  
سید محمد حسینی دره صوفی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

نقش رسانه ها در پیشگیری از جرایم، با تاکید به رسانه های افغانستان  
سید محمد نقوی دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

جایگاه اهل بیت در آیه «تلقی کلمات»  
سید طالب زکی کارشناسی ارشد مدرسه عالی فقه جامعه المصطفی

اخوت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری...  
محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی

نقش ایدئولوژی در تحولات سیاسی اجتماعی با رویکرد قرآن کریم  
غلام سخی رحمانی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی

نمود از اعجاز علمی قرآن کریم در زمین  
سید محمد علی حسینی زهرابی، دانش پژوه دکتری قرآن و علوم

جهانی شدن و چالش های توسعه سیاسی جهان اسلام  
خانم راحله حسینی، کارشناسی ارشد روابط بین الملل

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر  
مدیر مسئول: سید مهدی حسینی  
سر دبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
مدیر داخلی: سید محمد رضا علوی  
گرافیسٹ: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: افغانستان: مزار شریف

## جایگاه اهل بیت در آیه «تلقى کلمات»

سید طالب ذکی<sup>۱</sup>

### چکیده:

در این نوشتار سعی شده است تا جایگاه اهل بیت(ع) در آیات قرآن کریم، در دو رویکرد شیعی و سنی روشن گردد. سپس به این مبحث توجه شده است که آیا در باره اهل بیت(ع) آیه یا آیات در قرآن کریم نازل شده است یا نه؛ پس از اثبات این موضوع که آیات فراوانی در شأن و منزلت اهل بیت چه به صورت گروهی و چه به گونه انفرادی نازل شده است، به بررسی رابطه اهل بیت(ع) و آیه «تلقى کلمات» پرداخته و دیدگاه عالمان دو فرقه شیعه و سنی طرح و بررسی شده است. واکاوی پیرامون واژه «کلمات» در آیه شریفه نشان داد که یکی از مصادیق روشن و یقینی آن، مقامات و انوار درخشان اهل بیت(ع) بوده و آن بزرگواران سبب پذیرش توبه و نجات حضرت آدم(ع) گردیدند. همچنین توسل به کلمات و اهل بیت(ع) و توبه پذیری به واسطه قرار دادن آنها، منحصر به حضرت آدم نبوده بلکه شامل همه انسانها در طول تاریخ می شود.

**کلیدواژه:** اهل بیت، تلقی کلمات، کلمات، توبه پذیری.

۱. دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

## مقدمه

اهل بیت یک واژه ترکیبی است که از دو کلمه «اهل» و «بیت» تشکیل و ترکیب شده است. در کتابهای لغت و واژه شناسی «اهل» به معنی «انس و وابستگی خاص آمده و از نظر فراگیری و محدودیت دارای مراتب و درجات می باشد. این واژه شامل زن، فرزندان، نوه ها و دامادها می شود و گاهی یکی از مراتب نامبرده از اهلیت ساقط می شود زیرا وابستگی میان شان از بین می رود» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۶۹) و «بیت به مفهوم محل برگشت و سکونت، محل سکونت شبانه و به معنی عام کلمه همان چیزی که امروزه آن را خانه می گویند. و هنگامی که این دو واژه باهم ترکیب می شود همان معنی اصلی اش حفظ شده و گاهی با اندک توسعه یا تضییق به کار می رود. اهل بیت در شکل ترکیبی اش به معنی ساکنان خانه، خویشان و بستگان و خانواده می باشد.» (همان)<sup>۱</sup>

## مصادق شناسی اهل بیت:

در مفهوم اصطلاحی و مصادیق این کلمه (اهل بیت) میان دو فرقه شیعه و سنی اختلاف دیدگاه وجود دارد. عالمان شیعه اهل بیت را به بخشی از اعضای خاندان رسول خدا اطلاق می کنند که دارای ویژگیها و مؤلفه های خاصی هستند مانند نسبی بودن و همسویی و پیوند علمی و عملی با رسالت پیامبر (ص) (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۷-۶۸). مصادق این مفهوم در زمان حیات رسول خدا همان پنج نفر بودند که مشهور به پنج تن آل عبا است و آنها عبارتند از وجود مبارک رسول خدا، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین: (بیضون، ۱۳۷۵ ص ۳۴۰) اما عالمان اهل سنت آراء مختلف و پراکنده ای در مفهوم اصطلاحی و مصادق اهل بیت دارند. عده ای از دانشمندان آنها مصادق اهل بیت در آیه مبارکه تطهیر را «علی، فاطمه، حسن و حسین: می دانند، بعضی دیگر آن را منحصر به زنان پیامبر کرده است، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۶-۸) عده ای آن را زنان و فرزندان به شمول علی (رازی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۶۸) و جمعی نیز توسعه داده و شامل تمام بنی هاشم و بنی عبدالمطلب دانسته است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۵-۱۹۷)

۱. «و قلنا فی (اهل) انّ جملة اهل البيت كلمة واحدة مركبة من لفظین، و معناها بالفارسیة: خانواده. و هذا المعنى یختلف سعة و ضيقا و من جهة تعیین المصادق باختلاف الموارد بالقرائن.»

## جایگاه اهلیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۵۷

قدر مسلم و مشترک بین دانشمندان شیعه و سنی از مصداق اهل بیت که هر دو دسته قبول دارند امام امیرالمومنین علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام هستند. گر چه به اعتقاد شیعه مصداق اهل بیت علی و فاطمه و یازده فرزند معصوم شان می باشند.<sup>۱</sup>

### آیا در باره ی اهل بیت: آیات نازل شده است؟

در اینکه راجع به اهل بیت: آیات زیادی نازل شده است جای تردید نیست؛ زیرا صدها عالم و مفسر شیعه و سنی در این مسأله اتفاق نظر دارند. ریشه این باور در روایاتی است که از ناحیه معصومین: رسیده و در منابع حدیثی فریقین موجود است؛ از این رو عده ای از عالمان دو مذهب تلاش کردند این آیات را مشخص کنند و در کتابها و آثارشان از آن نام ببرند و یا به صورت مستقل و جداگانه آیات مربوط به اهل بیت را ثبت نمایند.

مرحوم فیض کاشانی در مقدمه سوم کتاب تفسیر صافی روایاتی را در این زمینه یادآور شده است.

با بررسی گذرا و مختصری که نگارنده در آثار تفسیری دانشمندان شیعه و سنی نمود به این نتیجه رسید که ده ها آثار مستقل و جداگانه در باره آیات نازل شده بر فضائل اهل بیت تألیف و نشر شده است که در اینجا نام تعدادی از آنها را یادآور می شوم:

۱. تفسیر الحبری از حبری کوفی، ابو عبدالله حسین بن حکم (م ۲۸۶ هـ).
۲. تفسیر فرات الکوفی از فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (شیعی)، تحقیق: محمد کاظم محمود، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰

ق

۳. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل تألیف عبید الله بن احمد حسکانی از عالمان اهل سنت. این کتاب چاپهای متعدد دارد که نگارنده چاپ تهران، (۱۴۱۱ ق) چاپ اول، با تحقیق محمد باقر محمودی را دیده است.

۴. حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.

---

۱. در تفاسیر فریقین ذیل آیه تطهیر راجع به دیدگاه ها، ادله و ارزیابی هر کدام بیشتر پرداخته شده است، علاقه‌مندان مراجعه کنند.

۵. تنزیل الآيات الباهرة فی فضل العترة الطاهرة از سید شرف الدین عاملی (م ۱۳۷۷).

۶. القرآن و فضائل اهل البيت، از محمد صالحی اندیمشکی، انتشارات ذوی القربی، قم: چاپ اول: ۱۳۸۳ ش.

و ده ها کتاب دیگر که در فضائل اهل بیت تألیف شده و آیات مربوط به اهل بیت را ذکر کرده است. این آثار دو دسته هستند: یک دسته فضائل اهل بیت را در یک مجموعه جداگانه گرد آورده و دسته دیگر فضائل هریک از معصومین: را جداگانه جمع آوری کرده است مثلاً آیاتی که راجع به فضائل امیرالمؤمنین علی: نازل شده، یا در باره صدیقه طاهره، یا امام حسن و امام حسین یا حضرت مهدی علیهم السلام یا سایر معصومین. این دسته از آثار به زبانهای عربی و فارسی به صدها بلکه هزاران می‌رسد.

بنابراین پاسخ این پرسش که آیا در باره اهل بیت عصمت و طهارت: در قرآن کریم آیه یا آیاتی نازل شده یانه، با توضیحات بالا روشن و آشکار شد و معلوم گردید که ده ها بلکه صدها آیه در قرآن کریم راجع به اهل بیت یا یکی از افراد اهل بیت نازل شده است.

### مفهوم شناسی «تلقی»

واژه «تلقی» از نظر واژه شناسان عرب، فعل ماضی مفرد مذکر غایب از باب تفعل و از ریشه «لقی= ل ق ی» است. این ریشه لغوی در ساختارهای متعدد و مختلف در قرآن کریم، بیش از یک صد و چهل بار در قرآن کریم به کار رفته است. اهل لغت برای این ریشه، معانی مختلفی ذکر کرده اند. ابن فارس برای این ماده (لقی) سه معنای اصلی ذکر می کند: ۱. چیزی که سبب کجی شود؛ ۲. تلاقی و به هم رسیدن دو چیز؛ ۳. فروانداختن و پرتاب کردن چیزی (ابن فارس، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۲۶۱).

راغب اصفهانی معنای واژه «لقی» یا «لقاء» را به معنای روبرو شدن و برخورد دو چیز با یکدیگر دانسته است (راغب، ۱۳۹۲، ص ۷۴۵). ابن اثیر «تلقی» را به معنای آموختن و آگاه کردن دانسته است (ابن اثیر، بی تا، ۸/۴، ص ۲۶۷).

با تأمل در آثار اهل لغت و موارد استعمال ماده لقی در قرآن کریم به دست می آید که:

## جایگاه اهل بیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۵۹

اولاً: ماده «لقاء» در اصل به معنای دیدار و برخورد حسی به کار رفته است. سپس در استعمالات بعدی و ثانوی، ملاقات و دیدار معنوی را نیز شامل شده است. «اللقاء» نیز از ماده «لقى» است که به صورت متعدی به باب افعال رفته و به معنای انداختن است و نخست در امور حسی به کار رفته است و سپس در امور غیر حسی نیز استعمال شده است. در قرآن کریم بیشتر موارد استعمال این ماده در امور حسی به کار رفته است، ولی مواردی هم وجود دارد که در امور معنوی و فراحسی استعمال شده است، از جمله در آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» (سوره کهف، آیه ۱۱۰)؛ پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد. در این آیه شریفه، کلمه «لقاء» به معنای ملاقات و برخورد حسی نیست تا خدا را با چشم سر دیده باشد و با او ملاقات حسی صورت گرفته باشد، بلکه منظور از ملاقات، رسیدن به رحمت، پاداش و رضایت خداوند است.

در آیه دیگر کلمه «اللقاء» به کار رفته و به معنای ایجاد دشمنی و کینه است. «وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (سوره مائده، آیه ۶۴) و میانشان دشمنی و کینه افکندیم. در این مبارکه نیز القای دشمنی و کینه در بین یهودیان، یک امر حسی نیست، بلکه این عداوت و کینه، پیامد دوری آنها از رحمت الهی است. به عبارت دیگر: دشمنی و کینه یک چیز محسوسی نیست که خداوند در بین یهودیان انداخته باشد و آنها حس کرده باشد که این امر القای عداوت و بغض است، بلکه یک امر معنوی و فراحسی است.

شیخ الطائفه طوسی نیز در معنای آیه مبارکه «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۱)؛ به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند بیم خواهیم افکند. می‌گوید: معنای حقیقی القاء در اعیان (خارجی) است مانند آیه «وَأَلْقَى الْأَلْوَابِحَ» (سوره اعراف، آیه ۱۵۰)؛ و الواح را افکند. و القاء به طور مجازی در باره هراس (رعب) به کار رفته است (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۵)

ثانیاً: در ساختار باب افعال، تفعیل و تفعّل از ماده لقی، مفهوم دریافت آگاهانه وجود دارد. بدین معنا که القاء، تلقین و تلقی در مواردی استفاده می‌شود که فرد، آگاهانه چیزی را بپذیرد و با آمادگی پیشین چیزی بر او فرو انداخته شود. مؤمنان بنی اسرائیل به کسانی که شیفته ثروت قارون شده بودند، می‌گفتند: «وَيُلْقِيكُمْ ثَوَابَ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ» (سوره قصص، آیه ۸۰)؛ وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی‌کنند.» همچنین

خداوند پس از آنکه همگان را به نیکوکاری، حتی در برابر دشمن، فرامی خواند؛ می فرماید: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (سوره فصلت، آیه ۳۵)؛ و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبیا بوده‌اند نمی‌یابند، و آن را جز صاحب بهره‌ای بزرگ، نخواهد یافت. آشکار است که در این دو آیه، معنای پذیرش آگاهانه در واژه «) لحاظ شده است. مفسران بدین معنا تصریح کرده‌اند؛ چنان که علامه طبرسی می نویسد: سخنی را بر او القاء نمودم یعنی آن سخن را به او گفتم. و آن سخن را تلقی کرد یعنی آن را پذیرفت (طبرسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۶۸؛ سراج منیر، ۱۳۹۸، ش ۳۵، ص ۱۲۳)

ثالثاً: در معنای واژه «لقی و القاء» ویژگی مفهومی «آموزش» و «عظمت» نیز نهفته است که مفسران به آن اشاره کرده‌اند و اینجا به دلیل اطاله کلام از ذکر تفصیلی آن خودداری می‌شود.

از مجموع آنچه در باب مفهوم تلقی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم تلقی منحصر به القای حسی نیست، بلکه در مواردی، به معنای القای معنوی و فراحسی به کار رفته است، از جمله در همین آیه مبارکه. و نیز این تلقی و دریافت، تلقی آگانه و با کمال توجه بوده است.

اهل بیت و آیه «تلقى کلمات»

قرآن کریم در جایی که قصه حضرت آدم را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»؛ (سوره بقره، آیه ۳۷)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشد، آری، او [ست که] توبه‌پذیرِ مهربان است.

### دیدگاه عالمان فریقین (شیعه و سنی)

بسیاری از مفسران فریقین (شیعه و سنی) با استناد به احادیث معصومین:، در تفسیر این آیه آورده‌اند که حضرت آدم (ع)، بر اساس فرمان جبرئیل (ع)، پس از اعتراف به ستم بر خویشان، و تسبیح و تهلیل خداوند، خدا را به اهل بیت (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) سوگند داد و به آن اسمای متبرکه متوسل شد و خداوند به واسطه ی آنها توبه آدم را پذیرفت.

سیوطی یکی از دانشمندان اهل سنت، در تفسیر «در المنثور»، ذیل تفسیر آیه مبارکه یاد شده روایات زیادی را نقل می‌کند. یکی از روایاتی که از ابن عباس و



## جایگاه اهلیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۶۱

او از رسول خدا نقل می‌کند این است که منظور از کلماتی که سبب قبولی توبه حضرت آدم (ع) شد،

پنج تن مقدس آل عبا (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) می‌باشد<sup>۱</sup>. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۰)

ابن مغزلی مالکی نیز در کتاب «مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع)» در تفسیر آیه فوق حدیث مشابهی را نقل می‌کند. (ابن مغزلی، ۱۴۲۴، ص ۱۱۵) طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» در باره بیان مصداق «کلمات» در آیه مبارکه، چهار رویکرد و دیدگاه را طرح می‌کند. دیدگاه چهارم را ضمن نقل مضمون راویاتی از ائمه اهل بیت: مطرح می‌کند. می‌گوید:

«از ائمه اهل بیت نقل شده است که آدم بر عرش، اسم‌هایی بزرگ و گرامی دید وقتی از آنها پرسید به او خطاب رسید اینها اسم‌های بزرگترین و با منزلت‌ترین مخلوقات خداست و این اسمها: «محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین» بود که آدم در پذیرش توبه و بالا رفتن مقامش به آنان توسل جست. خدا توبه آدم را پذیرفت و یا او را توفیق توبه داد و به او کلماتی آموخت تا آنها را بگوید و توبه‌اش پذیرفته شود» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۴۱)<sup>۲</sup>

در دیگر منابع از عالمان شیعه و سنی نیز در تفسیر و بیان مصداق «کلمات»

---

۱. «عن ابن عباس قال سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتأب عليه قال: سألت بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين الا بت علي فتأب عليه؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: حضرت آدم از خدا درخواست کرد بحق محمد، و علی، و فاطمه، و حسن، و حسین که توبه مرا بپذیر پس خداوند توبه او را پذیرفت.»

۲. مرحوم طبرسی سه رویکرد دیگر هم نقل می‌کند که در منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت نیز آن اقوال را به صورت روایت نقل کرده است. این سه دیدگاه را به صورت خلاصه به این شرح نقل کرده است:

۱- حسن و قتاده و عکرمه و سعید بن جبیر می‌گویند این کلمات همان: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا»

(خدایا ما به خویشتن ستم کردیم) بود که در آن، اعتراف به گناه و اظهار پشیمانی نموده‌اند.

۲- مجاهد می‌گوید: این کلمات: «اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ اتَى ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ أَنْكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ» (خدایا جز تو خدایی نیست من بخود ستم کردم توبه‌ام را بپذیر که تو، پذیرنده توبه‌ها و مهربانی) بوده است. و از امام محمد باقر علیه السلام همین قول روایت شده است.

۳- بعضی گفته‌اند: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» کلماتی است که آدم گفت.» (همان).

گفتارهای مشابهی وجود دارد که در این جا نیاز به بازخوانی نیست. آنچه از مجموع دیدگاه ها به دست می آید این است که قدر مسلم و متیقن از مصادیق «کلمات» در آیه مبارکه، اهل بیت رسول خدا، به خصوص پنج تن آل عبا است. طبری و سکوت معنادار!

طبری در تفسیر جامع البیان، ذیل آیه مبارکه مذکور، دیدگاه های فراوانی را در قالب روایت مستند نقل می کند، تعدادی از روایات را تأیید و برخی را رد می کند، اما دیدگاه اهل بیت: را که در منابع معتبر آنان به صورت روایت مسنده آمده است، یادآوری نمی کند و از نقل روایت یادشده نیز خودداری می کند. یعنی در بیان مصداق یا یکی از مصادیق مسلم و متیقن «کلمات» در تفسیر و تبیین معنای آیه مبارکه سکوت معنی داری اختیار می کند. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۵).

### منظور از «کلمات» چیست؟

در اینکه منظور از «کلمات» که خداوند به حضرت آدم تعلیم داد تا به سیله آن توبه آدم به درگاه الهی پذیرفته شود، چه کلمات و سخنانی است، در میان مفسران اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

دیدگاهی که بیشتر مورد توجه بوده و معروف شده است این است که منظور از «کلمات» در آیه مبارکه، جملاتی است که در آیه ۲۳ سوره «اعراف» آمده است: «قَالَ رَبِّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ گفتند: خداوندا ما بر خود ستم کردیم، اگر تو ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۷)

برخی معتقدند که مراد از «کلمات» که در آیه مبارکه آمده است، دعا و نیایشی است که در منابع حدیثی و تفسیری آمده است و آن عبارت است از این دعا که در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است:

«اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ.

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاَرْحَمْنِي إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛

پروردگارا! معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، تو را ستایش می کنم، من به

## جایگاه اهلیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۶۳

خود ستم کردم مرا ببخش که بهترین بخشندگان. خداوندا! معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، تو را ستایش می کنم، من به خود ستم کردم بر من رحم کن که بهترین رحم کنندگانی. بار الها! معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، تو را حمد می گویم، من به خویش ستم کردم، رحمتت را شامل حال من کن و توبه ام را بپذیر که تو تواب و رحیمی». (طبرسی، ۱۳۶۰، کلینی، ج ۸، ص ۳۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۷، ج ۱۱، ص ۱۵۷) نظیر همین تعبیرات در آیات دیگر قرآن در مورد حضرت یونس ۷ و حضرت موسی (ع) آمده است. یونس به هنگام در خواست بخشش از خدا می گوید: سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ «خداوندا منزهی من از کسانی هستم که به خود ستم کرده ام». (سوره انبیاء، آیه ۸۷).

در باره حضرت موسی ۷ آمده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ؛ گفت: پروردگارا من به خود ستم کردم مرا ببخش و خدا او را بخشید». (سوره قصص، آیه ۱۶).

### منظور از «کلمات» در منابع شیعه

در روایات متعددی که از طرق اهل بیت: وارد شده است منظور از کلمات به گونه دیگری بیان شده است؛ یعنی مقصود از کلمات، تعلیم اسماء بهترین مخلوق خدا یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین: بوده است، و آدم با توسل به این کلمات از درگاه خداوند تقاضای بخشش نمود و خدا او را بخشید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۱۹۱-۱۹۲)

در برخی منابع راجع به تبیین و تفسیر کلمات آمده است که مراد از کلمات انوار رسول اکرم و عترت طاهره است، بدین معنا که انوار رسول اکرم و عترت طاهره همان مقامات علمی است که حضرت آدم (ع) آن را تلقی کرد و زمینه نجات او فراهم گردید و در این میان همان طور که حضرت امیر (ع) در مجموعه عترت قرار دارد، حضرت زهرا(س) هم در آن، جا می گیرد.

پس مراد از لفظ «کلمات» در آیه شریفه «فتلقى آدم من ربه کلمات» اسماء الهی است و بارزترین مصداق اسماء الهی، عترت طاهره اند که مصداق اتم آن در عصر نزول آیه، پنج تن مقدس می باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳)

### منظور از «کلمات» در منابع اهل سنت

در برخی منابع عامّه (اهل تسنن) نیز روایت شده است که منظور از «کلمات»، رسول خدا و اهل بیت او است. از جمله در تفسیر «الدر المنثور» دو حدیث در این مورد آمده است:

(۱) اخرج الدیلمی فی الفردوس مسنداً عن علی (ع): «دعاءً فیہ اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد مکرراً؛ (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۰) از حضرت علی (ع) نقل نموده است که دعایی که حضرت آدم (ع) مکرر نموده است، «اللهم انی اسئلك بحق محمد و آل محمد» بوده است.»

(۲) «اخرج ابن النجار عن ابن عباس قال: سألت رسول الله ۶ عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه. قال: «سأل بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسين الا تبت علي فتاب عليه؛ (همان) ابن نجار از ابن عباس نقل کرده که گفت: از رسول خدا از مفهوم «کلمات» که به آدم القا شد و به آن جهت توبه اش قبول گردید، پرسیدم؛ پیامبر خدا فرمود: حضرت آدم خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین: خواند تا توبه اش به درگاه او پذیرفته شود، و پذیرفته شد.»

البته می‌توان گفت: هیچ تنافی و ناسازگاری بین دیدگاه‌های یادشده نسبت به تفسیر «کلمات» نیست و می‌تواند همه آن‌ها در مورد حضرت آدم تحقق یافته باشد؛ یعنی مجموع کلمات، هم تعبیرات قرآن کریم در باره حضرت یونس و موسی، هم تعبیر یادشده در روایت امام صادق (ع) و هم اسامی بهترین آفریده‌های خداوند یعنی ائمه طاهرین: به حضرت آدم آموزش داده شده باشد تا به این وسیله تحول عظیم روحی و معنوی در او ایجاد شده و مورد لطف و پذیرش الهی قرار بگیرد و توبه اش قبول شود.

### توبه پذیری خداوند نسبت به بندگان

نکته مهم و کاربردی دیگری که در اختتام آیه مبارکه مورد بحث وجود دارد، این است که خداوند بسیار توبه پذیر و همیشه مهربان و دارای رحمت است. این توبه پذیری انحصار به افراد و اشخاص ویژه ندارد، بلکه شامل حال تمام انسانها در طول حیات می‌شود، حضرت آدم یک مصداق و نمونه از موارد توبه پذیری خداوند بوده است که با القای کلمات به او و توبه خالصانه او مورد رحمت الهی قرار گرفت. دیگر انسانها نیز می‌توانند با توسل به اسما و صفات الهی و کلمات القا شده از سوی خداوند، همواره در مسیر رشد و تکامل قرار گرفته و در

## جایگاه اهلیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۶۵

صورت خطا و لغزش، خود را با آب زلال توبه و توسل به کلمات، شست و شو داده و تطهیر کنند.

### جمع بندی

بر اساس آیه مبارکه سی و هفتم سوره بقره، پس از ماجرای وسوسه ابلیس و دستور خروج آدم از بهشت، آدم متوجه شد که به خویشتن ستم کرده، و از آن محیط آرام و پر نعمت، بر اثر فریب شیطان بیرون رانده شده، و در محیط پرزحمت و مشقت بار زمین قرار گرفته است، در اینجا آدم به فکر جبران خطای خویش افتاد و با تمام جان و دل متوجه پروردگار شد، توجهی آمیخته با کوهی از ندامت و حسرت. لطف خداوند نیز در این موقع به یاری او شتافت، آدم از پروردگار خود «کلماتی» دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت. در ذیل آیه مبارکه، روایات فراوانی وارد شده است، مبنی بر این که کلماتی که حضرت آدم از خداوند دریافت کرد و به واسطه آن توبه اش پذیرفته شد، اسماء خمسه طیبیه بوده است.

در دسته‌ای از روایات شیعه در تبیین و تفسیر این «کلمات» آمده است که مراد از آنها انوار رسول اکرم (ص) و دیگر معصومان: است، بدین معنا که انوار آن بزرگواران، همان مقاماتی است که حضرت آدم (ع) آنرا تلقی و دریافت کرد و در پی آن، زمینه نجات او فراهم گردید. به دیگر سخن؛ مقصود از کلمات تعلیم اسماء بهترین مخلوق‌های خدا؛ یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین: بوده است، و آدم با توسل به این کلمات از درگاه خداوند تقاضای بخشش نمود و خدا او را بخشید. برخی از منابع اهل سنت نیز به این موضوع اشاره و آن را تأیید کرده‌اند.

## فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد شیبانی جزری، النهایه فی غریب الحدیث والاثار، بیروت: دارالکتب العلمیه (بی تا).
۲. ابن فارس، احمد بن فارس رازی، معجم مقاییس اللغه، بیروت: اتحاد الکتب العرب، ۱۴۲۳.
۳. ابن مغزلی، علی بن محمد، محقق: أبو عبد الرحمن ترکی بن عبد الله الوادعی، مناقب أمير المؤمنین علی بن أبی طالب (ع)، صنعاء: دارالآثار، الطبعة الأولى ۱۴۲۴ هـ.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، چاپ اول.
۵. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۱ش.
۶. بیضون، لیب، تصنیف نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جمال و جلال، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.
۹. رازی، فخرالدین، ابو عبدالله محمد بن عمر مفاتیح الغیب (قرن ششم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۳۹۲ق.
۱۱. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۲. سلطانی رنانی و حاجی احمدی، محمد و محمود، سراج منیر (فصلنامه)، مقاله «تحلیل و بررسی فرایند «تلقی کلمات» و توبه خداوند بر پایه آیه سی و هفتم سوره بقره» سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ هـ.
۱۴. \_\_\_\_\_، بیروت، انتشارات محمد ابن دمج، بی تا.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، (و مترجمان)، تحقیق: رضا ستوده، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش، چاپ اول.
۱۶. \_\_\_\_\_، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، هاشم رسولی محلاتی، تهران،

## جایگاه اهل بیت در آیه «تلقى کلمات» \* ۶۷

بی تا.

۱۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (قرن چهارم)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.

۱۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ ق.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.

۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۶۰ ش).

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶.

